

خط قرمز جمهوری اسلامی، جنگ در افغانستان بود. معتقد بود که جنگ جدیدی نباید رخ دهد و هر جنگی مساوی است با هزاران آواره و بدبختی مردم

دو پاسپورت دارند و هویت ملی ضعیف است. لذا اگر افغانستان به لحاظ اقتصادی بخواهد روی پای خودش بایستد، حالا حالاها کار دارد. در عین حال سال گذشته طالب اعلام کرد که بودجه ملی بسته است. یعنی منابع بودجه اش داخلی بوده است. ولی حجم بودجه اش پایین بود مثلاً معاشی که ماهیانه یک نفر صد هزار افغانی دریافت می کرد، تبدیل شد به ۲۵ هزار افغانی. همچنین دلارهایی که از کشورهای مختلف قبلاً آنجا وجود داشت، دیگر نیست.

با اینکه ظرفیت های اقتصادی زیادی دارد ولی زیرساخت بسیار ضعیفی دارد لذا در حکمرانی دچار مشکل شده اند و اینکه طالب به دنبال این است که هم امنیت ایجاد کند و هم اجماع جهانی را به دست آورد و آنها را به رسمیت بشناسند دلیلش این است که سرمایه خارجی جذب کند و وضعیت اقتصادی اش را بهبود ببخشد.

## طالب و جمهوری اسلامی

برنامه جمهوری اسلامی از روز اول این بود که باید با طالب تعامل کرد. خط قرمز جمهوری اسلامی، جنگ در افغانستان بود. معتقد بود که جنگ جدیدی نباید رخ دهد و هر جنگی مساوی است با هزاران آواره و بدبختی مردم. لذا جمهوری اسلامی از هیچ جریان مسلحی طرفداری نکرد و به جریانی که موسوم به جبهه مردمی مقاومت احمد مسعود بود اجازه نداد، در ایران دفتر داشته باشد به رغم همه فشار اصلاح طلبان و وزارت خارجه! تنها دفتر این جبهه در امریکا است. خیلی از کشورهای اروپایی هم بخاطر تعاملی که با افغانستان داشتند تمایل نداشتند پشت جنگ بایستند و از طرف دیگر مردم افغانستان هم از جنگ خسته شده اند. حتی اگر پول خارجی هم بود باز هم جنگ جدی به وجود نمی آمد.

دوست ما می گفت من چند برابر نفرتی را که از طالب دارم از مدیران حاکم قبلی دارم و اگر قرار است آنها برگردند می گویم همین طالب بماند، چون مردم فساد گسترده ای در این ۲۰ سال دیدند. ریشه همه مشکلات در افغانستان تقسیم قدرت بر اساس ساختارهای قومی است. امریکا در عراق هم همین کار را کرد. نهایت امر هم به ناکارآمدی، فساد، درگیری و در نتیجه تجزیه منجر می شود. همین حالا هم پرچم هزارستان و ازبک ها ... وجود دارد و منتظرند تا اعلام استقلال کنند.

یک سؤال نظری این است که اساساً کشوری مثل افغانستان که دارای این پیچیدگی های هویتی و قومی است را باید چطور اداره کرد؟ با چه ساختاری می شود اینها را اداره کرد که به یک خروجی برسد؟ چرا بچه های حشد الشعبی عراق هم می گویند دوره صدام از الان هم بهتر بود؟ می گویند آن دوره امنیت و انسجام داشتیم و تا حدودی هم اقتصاد و الان هیچ کدام را نداریم و بین ما هنوز جنگ، فساد و ناامنی وجود دارد.

می بینیم در عراق دولت ها یک سال و یک سال و نیم هستند و بعد دعوا می شود و دولت بعدی می آید. لبنان هم همینطور است! همه اینها به خاطر ساختاری است که به وجود آمده و موزاییکی است. باید به این فکر کرد که مدل اداره این کشورها چیست. آیا می شود گفت که سهم اقوام را بر اساس جمعیت شان باید داد؟ ما یک بار به عراق رفتیم و با بچه های حشد الشعبی در مورد سینما صحبت می کردیم. گفت وزارت ارشاد دست ما نیست، سهم عصاب اهل حق است، فلان وزارتخانه هم سهم نجاست و ...